

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

جلسه ۹۱ - شنبه ۹۳/۲/۲۷

با توجه به آنچه گفته شد، سه احتمال موجه در معنای مفاعله آن است که:

۱. به معنای ثلاثی مجرد باشد؛ زیرا آنچه گفتیم که هیئت مفاعله دلالت می‌کند بر ماده‌ی فعل به همراه امعان و مؤونه، مربوط به مواردی است که به معنای ثلاثی مجرد محض نیامده باشد.

۲. به معنای فعل بین الاثنین باشد.

۳. اینکه ضرار به معنای ضرری باشد که همراه با مؤونه و امعان است.

بنابراین باید ضرار را با توجه به معیارهای باب مفاعله مورد تحقیق قرار دهیم که در خصوص این ماده در کدام یک از احتمالات سه‌گانه استعمال شده است. با تتبع در استعمالات می‌یابیم که در بعضی موارد، استعمال ضرار به گونه‌ای است که فعل بین الاثنین را افاده نمی‌کند، حتی ضرری که نیاز به مؤونه و امعان دارد را نیز افاده نمی‌کند، بلکه بیشتر اقتضاء می‌کند به معنای ثلاثی مجرد باشد. از جمله‌ی این استعمالات، روایتی در وسائل الشیعة است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْرَةَ الْعَنْبُوتِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ شَهَدَ بَعِيرًا مَرِيضًا وَهُوَ يُبَاعُ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ بَعَثَرَهُ دَرَاهِمَ وَأَشْرَكَ فِيهِ رَجُلًا بِدَرَاهِمَيْنِ بِالرَّأْسِ وَالْجِلْدِ فَقُضِيَ أَنَّ الْبَعِيرَ بَرًّا فَبَلَغَ ثَمَنَهُ دَنَانِيرَ قَالَ فَقَالَ: لِصَاحِبِ الدَّرَاهِمَيْنِ خُمْسُ مَا بَلَغَ فَإِنْ قَالَ أُرِيدُ الرَّأْسَ وَالْجِلْدَ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضَّرَارُ وَقَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ إِذَا أُعْطِيَ الْخُمْسُ^۱.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ابواب بیع الحيوان، باب ۲۲، ص ۲۷۵، ح ۱.

سند روایت به خاطر یزید بن اسحاق شَعْرِ تمام نیست، لکن در هر حال از آنجا که قصد ما استفاده‌ی استعمال لغت در کلام عربی است، بررسی سند در این مطلب دخیل نخواهد بود و حتی اگر نهایتاً حدیث مذکور جعلی باشد، باز استعمال لغت را می‌تواند از آن استفاده کرد.

در این روایت، بر درخواست کشتن شتر توسط شخصی که با دو درهم شریک شده است، اطلاق «ضرار» شده است (فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضَّرَّارُ) در حالی که ضرر مکرر نیست و نیز ضرر مستمر و بین الإثنین هم نیست، همچنین قرینه‌ای نیست که این شریک قصد ضرر داشته است، لذا بهترین معنایی که می‌توان برای «ضرار» در این روایت در نظر گرفت همان معنای مصدری ثلاثی مجرد یعنی «ضرر زدن» می‌باشد و نهایت در اینجا به معنای ضرر با امعان آمده است.

ولی به نظر می‌رسد شواهد دیگری بر اینکه ضرار به معنای ضرر باشد و همان معنای ثلاثی مجرد را إفاده کند، در آیات قرآن مجید موجود است:

﴿لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ يَوْلِيهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يَوْلِيهِ﴾؛

هیچ مادری ضرر زده نشود به خاطر فرزندش و نه پدری به خاطر فرزندش.

در اینجا نه فعل بین الإثنین مراد است و نه ضرر متکرر و نه ضرر همراه با قصد و نه جزای ضرر و نه ضرر اکید و نه ضرر با امعان؛ زیرا روشن است خداوند متعال بیان می‌کند که به مادر به خاطر فرزندش هیچ ضرری زده نشود، پس مفاعله در این آیه به معنای ثلاثی مجرد استعمال شده است و احساس تجوزی همراه آن نیست تا گفته شود قرینه‌ای بر مجازگویی وجود دارد، لذا به نظر می‌رسد علی وجه الحقیقة در معنای ثلاثی مجرد به کار رفته است.

در آیه‌ی دیگری آمده است:

﴿وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ﴾؛

هرگاه بیعی انجام دادید، شاهد بگیرید و هیچ کاتب و شاهی ضرر نزنند [ضرر زده نشود].

در اینکه فعل «يُضَارُّ» مجهول باشد و «كَاتِبٌ» نائب فاعل آن باشد یا اینکه فعل معلوم باشد (يُضَارِرُ) و

۱. البقرة / ۲۳۳.

۲. البقرة / ۲۸۲.

فاعل آن «کَاتِبٌ» باشد، دو نظر وجود دارد و أظهر آن است که فعل مذکور معلوم باشد؛ یعنی کاتب ضرر نزند و به نفع کسی چیزی ننویسد. در هر حال چه فعل مذکور معلوم باشد و چه مجهول، با معنای ثلاثی مجرد سازگار است و فعل بین الاثنین و سایر معانی در اینجا مناسبتی ندارد.

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

﴿مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ﴾^۱؛

[تقسیم میراث] بعد از وصیت و دین است، ولی باید به گونه‌ای باشد که ضرر نزند.

در اینجا نیز بهترین و مناسب‌ترین معنا همان معنای ثلاثی مجرد است؛ یعنی ضرری بر وارث وارد نشود و بیش از ثلث وصیتی نشود.

بنابراین با تتبع در موارد مختلف به دست می‌آید لفظ «ضرار» به معنای ثلاثی مجرد، البته به نحو مصدری بسیار به کار رفته است و لزومی ندارد گفته شود حتماً باید فعل بین الاثنین باشد یا ضرر همراه اِمعان و مؤونه باشد.

در موارد دیگری در قرآن کریم نیز چنین استعمالی وجود دارد که هرچند چه بسا با معانی دیگر نیز سازگاری داشته باشد، اما معنای ثلاثی مجرد مناسبت بیشتری دارد، مانند: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا﴾^۲ و ﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ﴾^۳.

در برخی دیگر از موارد، ضرار به گونه‌ای به کار رفته است که نمی‌تواند فعل بین الاثنین باشد، هرچند ضرر با قصد یا ضرر مکرر یا اکید یا با اِمعان می‌تواند مراد باشد، مانند: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا﴾ یا در روایتی آمده است: «مَلْعُونٌ مِّنْ ضَارٍّ مُّؤْمِنًا أَوْ مَكْرَبَةً»^۴ که در هیچ‌کدام فعل بین الاثنین نیست.

در مجموع از آنچه بیان شد به دست می‌آید که در ما نحن فیه یعنی روایت «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارًا» یا ضرار دقیقاً به معنای ثلاثی مجرد یعنی ضرر است البته به معنای مصدری، و یا اینکه مجمل خواهد بود و بین این معنا و معنای فعل بین الاثنین و ضرری که همراه اِمعان است مردّد خواهد بود.

۱. النساء / ۱۲.

۲. البقرة / ۲۳۱.

۳. البقرة / ۱۰۲.

۴. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت ﷺ)، ص ۷۲۱.

اگر به معنای ثلاثی مجرد باشد معنای روایت روشن است و اگر مجمل باشد، معلوم است که حجّیتی نسبت به هیچ از معانی سه‌گانه وجود ندارد.

ممکن است گفته شود اگر امر دائر بین تأسیس معنای جدید و تأکید معنای قبلی شود، تأسیس اولی خواهد بود، و لکن این اولویت به نحوی نیست که ظهور آفرین باشد. آری، اگر در مواردی به گونه‌ای باشد که دو احتمال کاملاً مساوی باشد و تأسیس به اسلوب فصاحت اقرب باشد می‌توان جانب تأسیس را گرفت، اما اگر دو احتمال هم‌وزن نباشد یا خلاف اسلوب فصاحت نباشد مانعی از تأکید نیست. در اینکه ضرار در روایت برای تأکید باشد (هرچند تفاوتی با ضرر دارد؛ زیرا ضرار مصدر است) مانعی وجود ندارد و نمی‌توان گفت تأسیس مقدم است؛ زیرا در لسان معمول اهل لغت، «ضرر و ضرر زدن» وجود دارد. حضرت وقتی ابتدا فرمودند «لا ضَرَر» یعنی زیان به نحو اسم مصدری وجود ندارد، سپس فرمودند زیان زدن هم وجود ندارد؛ زیرا اگرچه وقتی فرمودند «لا ضَرَر»، ضرر زدن را نیز نفی کردند و با نفی اعم، اخص نیز نفی می‌شود، اما چون در مقابله با سمره بن جندب بوده است و حیث صدوری ضرر مدّ نظر بوده است، حضرت می‌خواستند نوعی تطبیق بر فعل سمره انجام دهند که فعل سمره ضرر زدن است، لذا ابتدا فرمودند: «لا ضَرَر» یعنی مثلاً در اسلام حکم ضرری نیست، سپس فرمودند: و ضرر زدن هم که فعل تو (سمره بن جندب) مصداق آن است نیز وجود ندارد.

در هر حال با منفی بودن ضرر که اعمّ از ضرار است، لامحاله همان نفی، نسبت به اخص نیز خواهد بود و همان استنتاجات حاصل می‌شود. بنابراین چه ضرار را به معنای ثلاثی مجرد بدانیم و چه مجمل بدانیم، نقصانی در استفاده از حدیث مبارک ایجاد نمی‌شود.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالمهدی